

گردش پول برای فقر یا ثروت؟

نویسندگان: رضا محسنی و مریم محمد زاده

فهرست:

- دو نوع طرز فکر

- کار ذهن ثروتمند و فقیر در شرایط مختلف

- ویژگی ذهن ثروتمند و فقیر

- راه ثروت

مانند هر انسان دیگری، همه ی ما نیاز ها و خواسته هایی داریم. می‌خواهیم به خواسته های خود برسیم و نیاز های خود را تامین کنیم. مثلاً کودکی که گرسنه است، نیاز به شیر دارد. مردی مه آواره است، به خانه نیاز دارد. دانش آموز ضعیف به نمرات بهتر نیاز دارد. همچنین ممکن است پسر بچه ای بخواهد ستاره فوتبال شود یا مردی بخواهد ثروتمند شود. حالا برای اینکه بتوانیم خواسته ها و نیاز های خود را تامین کنیم، به چه چیزی نیاز داریم؟ پول. ممکن است بگویید پول که تمام نیاز ها و خواسته های ما را برآورده نمی کند. ولی باید بگویم پول قسمتی جداناپذیر از زندگی انسان و نیازها و خواسته های اوست. همه یا اکثر شما، کار می کنید و درازای کاری که انجام می‌دهید، پولی دریافت می کنید. بعد از دریافت پول یا حقوق خود، اولین کاری که انجام می‌دهید، چیست؟ درست است به سراغ قبض ها، بدهی ها، غذا، پوشاک و چیزهای دیگر می روید. می روید تا قبض ها و بدهی هاتیان را بپردازید و برای خود غذا و لباس خوب می خرید. یک سوال از شما می کنم. آیا هر ماه می‌توانید آنچه را که دوست دارید، بخرید، بخورید و یا سوار شوید؟ در پاسخ به این سوال، افراد به دو دسته تقسیم می شوند.

اولی انهایی که از پس هزینه های خود برمی آیند و دوم انهایی که نمیتوانند نیاز هایشان را تامین کنند و از پس هزینه ها بر نمی آیند.

دسته اول: مقداری پول در ماه دریافت می کند. مقداری هم هزینه می کند. و در آخر چون درآمدش از هزینه هایش زیاد است، مقداری پول برایش باقی می ماند.

دسته دوم: مقداری پول مثل دسته اول دریافت می کند و مثل آنها مقداری هم هزینه می کنند. ولی در آخر به دلیل زیاد بودن هزینه از درآمد، چیزی برایشان باقی نمی ماند.

می توانم بگویم حدود ۹۰ درصد افراد جزء دسته دوم هستند و فقط ۱۰ درصد از مردم پول کافی برای برطرف کردن نیازهایشان بدست می آورند.

دیروز که اخبار را می خواندم، مطلبی را دیدم که در این موضوع را برایم شفاف کرد. در تیتراژ خبر نوشته بود: "حقوق جان تا آخر ماه با من بمان". این خبر نشان از زیاد بودن تعداد گروه دوم دارد.

با این روندی که پیش میرود، افرادی که هر ماه مقداری پول برایشان باقی می ماند، هر ماه پولشان بیشتر می شود ولی افرادی که درآمدشان کافی نیست، هر ماه بدهی بدست می آورند و بدهی شان هر ماه بیشتر می شود. گروه اول در مسیر افزایش پول خود و گروه دوم در مسیر ورشکستگی یا نابودی هستند.

تا اینجا فهمیدید که پولی که در می آورید، صرف برخی مخارج می شود و در نهایت یا پولی در دست داریم یا بدهی.

ولی اینجا باید چکار کرد؟ راه ثروت چیست؟ راه ثروت را چگونه از این شرایط شروع کنیم؟ چطور میتوانم از شر بدهی هایی که هر ماه و هر ماه سراغم می آیند، خلاص و ثروتمند شوم؟ آیا منی که در آخر ماه فقط یک میلیون تومان برایم باقی می ماند، می توانم سرمایه ای یک میلیاردی بدست آورم؟ جواب من به همه ی این سوال ها این است که در هر شرایط مالی که قرار داشته باشید، با قرار گرفتن در مسیر درست، می توانید خود را به آنچه که میخواهید برسانید.

شاید خیلی از شما با این جمله موافق نباشید و بگویید منی که زیر بار ۵۰ میلیون بدهی هستم، چطور می توانم به یک میلیارد تومان دارایی دست پیدا کنم؟ اگر چنین راهی بود، حتما تا حالا امتحان کرده و موفق می شدم و شاید بعضی هایتان بگویید این چرت ترین و احمقانه ترین حرفی است که شنیده ام و خیال بافی محض است. ولی باید به شما بگویم این یک راه حل کاربردی و کاملاً قابل اجراست و خیال بافی نیست.

بگذارید ۲ نوع طرز تفکر را به شما معرفی کنم:

۱- فکر ثروتمند ۲- فکر فقیر

الف) طرز فکر ثروتمند شیوه و روش فکر کردنی است که در خود ایده و راه هایی برای ایجاد ثروت، رفاه و آرامش دارد. ذهنی که طرز فکر ثروتمند داشته باشد، می تواند وقتی دیگر آدم ها در حال سر و کله زدن با قبض ها و بدهی هایشان هستند، ثروت و سرمایه خود را چندین برابر کند. این افراد با ذهن خود پول می سازند. یا به عبارت دیگر رفاه و آرامش را می سازند.

ب) اما در مقابل طرز فکر فقیر وجود دارد. طرز فکری که باعث می شود شما پول از دست بدهید و درگیر بدهی ها و قبض ها بشوید و در نهایت به مشکلات و بدهی های بزرگی می رسید. این طرز فکر در خود افکاری آلوده و منفی دارد و جلوی هر راهی را که به پیشرفت می انجامد را می گیرد. کسانی که ذهن فقیر دارند، همگی فقیر هستند یا به زودی فقیر خواهند شد. مثلاً ممکن است کسی که از مدیریت دارایی چیزی نمی داند، از پدرش کلی ارث دریافت کند اما چون نمی تواند آن را حفظ کند و به احتمال زیاد آن را از دست خواهد داد.

ورزشکار ها را ببینید. وقتی که در جوانی و در حال بازی کردن هستند، پول خیلی زیادی دریافت می کنند که شاید خیلی ها آرزویش را دارند اما می بینیم وقتی که از ورزش کناره گیری می کنند و بازنشست می شوند، معمولاً تمام پول خود را از دست می دهند و به جمع افراد متوسط اضافه می شوند. به نظر شما دلیل این اتفاق چیست؟ تنها دلیلش نداشتن فقط یک مهارت است. آن هم سواد مالی است.

بگذارید ویژگی های افرادی که ذهن ثروتمند و فقیر دارند را برایتان بگویم.

افرادی با ذهن ثروتمند:

۱- افکار مثبتی در ذهن خود دارد و بدبین نیست.

۲- همیشه ذهنشان پر از ایده هایی برای بدست آوردن پول است.

۳- روش مدیریت هزینه ها و درآمدها را می داند و مدیریت می کند.

۴- همیشه در حال یادگیری اطلاعات جدید و بروزرسانی دانش خودش است.

۵- عملگرا است و میداند چگونه ایده هایش را به پول تبدیل کند.

۶- فقط روی کار و ایده های خود کار می کند و به دیگران و حرف آنها توجه نمی کند.

۷- همیشه مجموعه ای از دارایی ها دارد که روز به روز پول بیشتری برایش در میآورد.

افرادی با ذهن فقیر:

- ۱- همیشه و در هر دقیقه افکار منفی دارند و به همه چیز بدبین هستند.
- ۲- هیچ ایده ای برای بدست آوردن پول و موفقیت ندارند.
- ۳- درآمد و هزینه ها را مدیریت نمی کنند و به همین خاطر درآمد کم و هزینه های زیادی دارند.
- ۴- معمولاً (۹۵٪) هیچ وقت کتاب نمی خوانند و مهارت پولسازی یاد نمی گیرند. معمولاً اخبار و حواشی اقتصادی و سیاسی را دنبال می کنند. (همه تقصیر ها را به دولت نسبت می دهند).
- ۵- همیشه کار ها و برنامه های خود را به آینده موکول می کنند و عملگرا نیستند.
- ۶- به کار خود اهمیت نمی دهند اما حرف مردم را مثل قانون و حقیقت می دانند.
- ۷- هیچ دارایی و پولی ندارند و در عوض بدهی ها و قرض هایی دارند که روز به روز به بدهی هایشان اضافه می کند.

تا اینجا گفتیم که همه ی ما پولی را بدست می آوریم. همچنین نیاز (هزینه) هم داریم. پس با پولی که بدست آورده ایم، هزینه های خود را می پردازیم. بعد از پرداخت هزینه ها، دو حالت وجود دارد: الف) پولی برایتان باقی می ماند. ب) پولی باقی نمی ماند و هنوز مقداری از هزینه ها هم باقی مانده است. همچنین با ذهن ثروتمند و فقیر آشنا شدیم.

حالا میخواهیم بررسی کنیم که در حالت های ۱ و ۲ ذهن ثروتمند و فقیر چه کار می کنند و در نهایت بدانیم که ما در این حالت ها چه کار باید بکنیم.

ابتدا حالت اول را بررسی می کنیم که پس از هزینه ها پول کمی برایمان باقی مانده است.

ذهن ثروتمند: در این حالت پولی که باقی مانده است را برای ایجاد منبع درآمد دوم صرف می کند تا با آن بتواند پول بیشتری بدست بیاورد. همچنین خودش هم به دنبال کار می گردد تا پولی هم از آن بدست بیاورد و آن را به منبع درآمد دوم اضافه می کند. در این حین که درآمد خود را افزایش داد، به هیچ وجه هزینه های خود را افزایش نمی دهد. چیزی را که همیشه میخواست بخرد، نمی خرد. بلکه آن پول اضافه را برای درآمد بیشتر سرمایه گذاری می کند. این عملکرد ذهن ثروتمند در این حالت است که با ایجاد درآمد بیشتر و سرمایه گذاری پول باقی مانده، درآمد خودش را افزایش می دهد. مهم تر از آن هزینه های خود را ثابت نگه می دهد و در بهترین حالت هم هزینه های خود را کاهش می دهد و از خرید چیزهای غیر ضروری جلو گیری می کند. با این کارها ذهن ثروتمند راه ثروت را شروع می کند.

ذهن فقیر: کار ذهن فقیر در این حالت فقط یک چیز است. آن هم خرید چیزی با پول باقی مانده است. با پولی که باقی مانده برای خودش لباس جدیدی می خرد یا یک شام خوب در یکی از بهترین رستوران ها می خورد یا کارهای دیگری انجام می دهد که همگی به خرج شدن پول باقی مانده به چیزهای بسیار ساده می شود که نخریدن آن هم الزامی نداشت. ذهن فقیر با پول باقی مانده خود درآمد دومی (با سرمایه گذاری و...) ایجاد نمی کند بلکه آن را خرج می کند. این موضوع خیلی جلوی پیشرفت او را می گیرد. اما چیزی که اوضاع را بدتر می کند، این است که خرید کردن با پول اضافه باعث افزایش هزینه های او می شود و خود به خود عادت پیدا می کند تا هر ماه بیشتر هزینه کند و این برای آنها خیلی کشنده است. کار دومی که ذهن فقیر انجام می دهد، این است که هیچ منبع درآمد دومی ایجاد نمی کند تا پول بیشتری بدست آورد. به طور خلاصه کار ذهن فقیر افزایش هزینه ها و کاهش یا ثابت نگه داشتن درآمد است. این کار باعث می شود تا روز به روز فقیر تر شوند.

اما در حالت دوم که نتوانسته ایم با درآمد خود، تمام هزینه های خود را پرداخت کنیم، کار این دو ذهن چیست؟

در این حالت نیز مانند حالت قبل ذهن ثروتمند به دنبال افزایش درآمد با ایجاد منبع درآمد دوم است و در تلاش است تا هزینه های خود را با خریداری نکردن وسایل غیر ضروری کاهش

دهد. تفاوت این حالت با حالت قبلی در این است که ذهن ثروتمند باید با پول اضافه ای که بدست آورده، بدهی خود را هم بپردازد. فقط همین.

اما ذهن فقیر که در این حالت که بدهی دارد و درآمد خود را افزایش نمی دهد و جلوی افزایش هزینه های خود را نمی گیرد، محکوم به ورشکستگی است.

فکر می کنم تا اینجا فهمیدید که چگونه میتوان به سمت فقر یا ثروت شروع به حرکت کرد و فهمیدید که کدام راه را باید انتخاب کنید.

در این فصل وضعیت و یا ساختار گردش پول برای افراد مختلف جامعه را بررسی کردیم و دلیل فقیر یا ثروتمند شدن افراد رو فهمیدیم. در فصل های بعدی تعریف سواد مالی، قوانین مدیریت پول، افزایش درآمد، کاهش هزینه ها، مسیر ثروت، توصیه برای قشر های مختلف جامعه، سرمایه گذاری، مدیریت دارایی و فقر ناخواسته (بحران دوگانگی) را به طور کامل توضیح داده و بررسی خواهیم کرد.

منابع: همه مطالب، بخشی از سخن های آقای رضا محسنی می باشد که تنظیم و پخش آن را خانوم مریم محمد زاده بر عهده دارند.

هدف من جلوگیری از بحران فقر با آموزش و تربیت ثروتمندان جدید و ساخت ذهن ثروتمند است.

هر روز اطلاعات جدیدی در کانال تلگرام قرار داده می شود که بهترین و به روز ترین روش ها برای موفقیت مالی را پیش روی شما می گذارد.

میتوانید با لینک زیر وارد کانال تلگرام ما شده و از مطلب های طلایی و کاربردی ما استفاده کنید:

<https://t.me/canalservat>

تو کانال می بینمتون.